

Wort des Tages لغت روز bewegen

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 7, 2017

bewegen یک فعل می باشد

به حرکت در آوردن ، تکان دادن ، اندیشه کردن ، تفکر کردن ، سنجیدن ، بررسی کردن

و چنانچه در حالت Reflexiv بکار برود معانی زیر را میدهد :

حرکت کردن ، از جای خود تکان خوردن ، محل خود را ، تغییر دادن ، عوض شدن ، تغییر کردن ، جا برای تغییرات داشتن ، کسی را برای کاری برانگیختن ، تحریک کردن ، واداشتن ، از نظر روحی تکان دادن ، اثر گذاردن ، تأثیر گذاشتن

گذشته ساده : bewegten

گذشته کامل : haben bewegt

Den Arm bewegen

آن بازو را حرکت دادن

Der Wind bewegte die Blätter

باد ، برگ ها را تکان میداد

Er konnte die Kiste nicht bewegen

او نمی توانست آن جعبه را به حرکت در بیاورد

Sie bewegte beim Sprechen kaum die Lippen

او در هنگام صحبت کردن لب ها را به سختی تکان میداد

Sie bewegte nur den kleinen Finger

او فقط انگشت کوچکش را تکان میداد

Die Wellen bewegen das Schiff

موج ها آن قایق را به حرکت در می آورند (تکان میدهند)

Die Pferde müssen jeden Tag bewegt werden

اسب ها باید هر روز فعالیت داشته باشند (از جای خود تکان بخورند)

در حالت Reflexiv :

Sich nur langsam bewegen können

خود را فقط آهسته بتوانیم حرکت دهیم

Ich muss mich noch ein bisschen bewegen

من باید یک تکانی به خودم بدهم (باید کمی بیشتر فعالیت و تلاش کنم)

Du musst dich mehr bewegen, sonst kriegst du einen Herzinfarkt

تو باید بیشتر از جای خودت تکان بخوری ، وگرنه یک سکته ی قلبی بهت دست می‌دهد

Sein Schicksal bewegt mich

سرنوشت او مرا تحریک میکند (مثلا برای پیشرفت در کاری)

Seine Worte haben uns tief bewegt

حرف های او تاثیر عمیقی به روی ما گذاشت

Schnecken bewegen sich langsam

حلزونها آهسته حرکت می‌کنند.

Der Trauerzug bewegte sich zum Friedhof

دسته عزاداران به سوی گورستان در حرکت بود.